دوباره قربانی

ترجمه محمد قاضی از رمان «قربانی» کورتزیو مالاپارته، پس از سال‌ها که از آخرین چاپ آن می‌گذشت، در نشر ماهی تجدید چاپ شد. کورتزیو مالاپارته رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس، خبرنگار و دیپلمات ایتالیایی را نسل امروز شاید کمتر بشناسد. مالاپارته را اولین بار سال‌ها پیش بهمن محصص با ترجمه رمان «پوست» به خواننده فارسی‌زبان شناساند. البته محصص به پیشنهاد جلال آل‌احمد نام «ترس جان» را بر این رمان نهاد. «تکنیک کودتا» کتاب دیگری از مالاپارته است که به ترجمه مدیا کاشیگر به فارسی منتشر شده است. مالاپارته در رمان «قربانی» هم مانند پوست جنگ جهانی دوم را دستمایه کار خود قرار داده و با آمیختن خاطره و گزارش و تخیل و داستان روایتی غریب و خواندنی از این جنگ ارائه داده است.

کوچه ابرهای گمشده، نوشته کورش اسدی، نشر نیماژ

بازگشت خیابان به رمان

در روزگاری که رمان ایرانی از خیابان و کلا عرصه عمومی – این اس و اساس رمان در هر کجای دنیا – خالی شده و وقایع رمان‌ها اغلب یا در چاردیواری آپارتمان‌ها می‌گذرد و یا در بهترین حالت در کنج تاریک کافه‌ها، باید رمانی را که خیابان را به رمان ایرانی بازگردانده قدر دانست. «کوچه ابرهای گمشده» نوشته کورش اسدی، که در نشر نیماژ منتشر شده، چنین رمانی است. کارون، شخصیت اصلی این رمان، یک کتاب‌فروش خیابانی است که در پیاده‌رو بساط می‌کند. رمان یک شبانه‌روز از زندگی این شخصیت را روایت می‌کند. بخش عمده داستان یا شرح پرسه‌زنی‌های خود این شخصیت در خیابان است و یا شرح زندگی خیابانی دیگر شخصیت‌های رمان. در این یک شبانه‌روز کارون بعد از ملاقات با زنی به نام شیده که کتابی را به کارون سفارش داده دستخوش تحول می‌شود. این تحول حاصل آگاهی او به تکه‌ای از گذشته خود و دیگرانی است که می‌شناخته. کورش اسدی در عین به کار بستن روایتی مدرن و غیرخطی که مبتنی بر چرخش‌ها و پیچش‌های روایی و رجوع به گذشته آدم‌هاست، داستانش را بر یک استخوان‌بندی کلاسیک سوار کرده است. طرح و توطئه داستان نسبتا درست و دقیق چیده شده و همه چیز در عین اینکه در آغاز بی‌ارتباط با هم به نظر می‌رسند در پایان به طرز جالبی به هم ربط پیدا می‌کنند. البته در جاهایی، این ربط دادن‌ها کمی تصنعی از کار درآمده و در طرح و توطئه رمان خوب ننشسته و ایراد دیگری که شاید بتوان به داستان گرفت این است که در صفحات پایانی رمان خواننده زودتر از شخصیت اصلی داستان حقایق را حدس می‌زند، گرچه تا پایان داستان به قطع و یقین به خواننده گفته نمی‌شود که حقیقت همین است که او و شخصیت اصلی داستان حدس زده‌اند اما از قرائن می‌توان به اصل ماجرا پی برد. از نقاط قوت این رمان نثر آن است که این نیز یکی از ویژگی‌های کمیاب داستان امروز فارسی است. نثر اسدی جاهایی با نثر آهنگین ابراهیم گلستان پهلو می‌زند بی‌اینکه این ویژگی در نگاه اول به چشم بیاید و توی ذوق بزند و به اداواصول تبدیل شود.

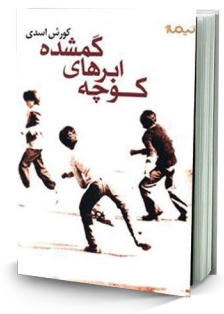

آثار ادبی را چگونه باید خواند
نوشته تری ایگلتون، ترجمه محسن ملکی وبهزاد صادقی، نشر هرمس

الفبای خواندن ادبیات

اگر مخاطب ادبیات از هر نوع آن هستید با خواندن «آثار ادبی را چگونه باید خواند» تری ایگلتون، که با ترجمه محسن ملکی و بهزاد صادقی در نشر هرمس منتشر شده، یاد می‌گیرید که با مطالعه آثار ادبی، از شعر و داستان گرفته تا نمایشنامه و... فقط با آنچه این آثار می‌خواهند بگویند درگیر نشوید و به چگونه گفتن یا به زبان اهل‌فن «فرم» اثر ادبی هم توجه کنید. گرچه این کتاب همان‌طور که ایگلتون در پیش‌گفتار آن می‌گوید در درجه اول «راهنمایی برای نوآموزان» عرصه نقد ادبی است برای اینکه الفبای نقد ادبی را یاد بگیرند، اما ایگلتون بلافاصله این را هم اضافه می‌کند که «امیدوارم [این کتاب] برای کسانی که درگیر مطالعات ادبی هستند، یا کسانی که صرفا از خواندن شعر، نمایشنامه و رمان در وقت آزادشان لذت می‌برند نیز مفید باشد.» ایگلتون در کتاب «آثار ادبی را چگونه باید خواند» سعی کرده به زبانی ساده و شیرین و با طنز و شوخ‌طبعی که خاص نوشته‌های اوست به مخاطبان عادی ادبیات کمک کند از کنار ظرافت‌های متون ادبی به‌سادگی نگذرند و این ظرافت‌ها را دریابند یا به بیانی دیگر آثار ادبی را با دقت بخوانند و بتوانند تشخیص دهند که این آثار چطور ساخته‌وپرداخته شده‌اند و نحوه ساخته شدن هر اثر چه ربطی به موضوع و محتوا و معنای آن اثر دارد. درواقع ایگلتون در این کتاب به مخاطبش الفبای نقد و تحلیل اثر ادبی را می‌آموزد و می‌کوشد نشان دهد که تحلیل اثر ادبی با لذت خواندن آن منافات ندارد. او می‌نویسد: «امیدوارم در حین کار نشان دهم که تحلیل انتقادی می‌تواند مفرح باشد و با انجام دادن این کار این توهم را نقض کنم که تحلیل خصم لذت است.» کتاب پنج فصل دارد به نام‌های: «آغاز آثار ادبی»، «شخصیت»، «روایت»، «تفسیر» و «ارزش». خواندن این کتاب به مخاطبان ادبیات می‌آموزد که چطور با تشخیص نکات باریک‌تر از مو در آثار ادبی زین پس از ادبیات بیش‌ازپیش لذت ببرند. گفتنی است از این کتاب ترجمه‌ای دیگر نیز با عنوان «چگونه ادبیات بخوانیم» موجود است که این یکی را مشیت علایی ترجمه و نشر لاهیتا منتشر کرده است.

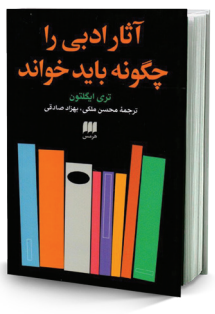

ژانرهای سینمایی:
از شمایل‌شناسی تا ایدئولوژی، نوشته بری کیت گرانت، ترجمه شیوا مقانلو، نشر بیدگل

تبارشناسی فیلم‌های پر تماشاگر

اگر از تماشای فیلم‌های وسترن، علمی–تخیلی، ترسناک و حادثه‌ای و مانند این‌ها لذت می‌برید می‌توانید با خواندن کتابی که توضیحات و تحلیل‌هایی جالب‌توجه از این نوع فیلم‌ها به دست می‌دهد لذت خود را از این نوع فیلم‌ها کامل‌تر کنید. کتاب «ژانرهای سینمایی: از شمایل‌شناسی تا ایدئولوژی» نوشته بری کیت گرانت، که با ترجمه شیوا مقانلو در نشر بیدگل منتشر شده، کتابی است که همان‌طور که از عنوانش پیداست در آن به ژانر در سینما پرداخته شده و این موضوع را از وجوه گوناگون و با ارجاع به فیلم‌هایی که از قواعد ژانر پیروی می‌کنند بررسی و تحلیل کرده است. در مقدمه کتاب ابتدا تعریفی ساده و سرراست از فیلم‌های ژانری ارائه شده است: «فیلم‌های ژانری، به زبان ساده، فیلم‌های تجاری بلندی‌اند که از راه تکرار و تنوع‌بخشی، داستان‌هایی آشنا را با شخصیت‌هایی آشنا و در موقعیت‌هایی آشنا تعریف می‌کنند. سینمای مردم‌پسند اغلب از فیلم‌های ژانری تشکیل شده است؛ همان نوع فیلم‌هایی که بیشترمان تماشا می‌کنیم، چه در سالن‌های سینما و چه در منزل بر روی دی‌وی‌دی و نوارهای ویدیویی.» نویسنده ضمن این توضیح این را هم می‌گوید که همیشه نمی‌توان به قطع و یقین سینمای هنری و تجربی را کاملا غیرژانری دانست. به اعتقاد او «فیلم‌های مهم اما متفاوت کارگردانان سینمای هنری چون ژان لوک گدار، اینگمار برگمن، و راینر ورنر فاسبیندر با برخی عناصر ژانری درآمیخته‌اند.» «ژانرهای سینمایی» جدا از مقدمه شامل چهار بخش با عنوان‌های «رویکرد به ژانرهای سینمایی»، «ژانر و جامعه»، «ژانر و مقوله تالیف سینمایی»، «ژانر و بازنمایی» و موخره‌ای با عنوان «خارج از مرزهای هالیوود» است. کتاب پر است از مثال‌هایی از فیلم‌های مختلف حادثه‌ای و وسترن و ترسناک و انواع و اقسام فیلم‌هایی که مخاطب عام دارند. فیلم‌هایی مثل «جنگ ستارگان»، «بچه رزمری»، «روزی روزگاری در غرب»، «هفت دلاور»، «بزرگ‌مرد کوچک»، «برباد رفته»، «جان‌سخت» و بسیاری فیلم‌های دیگر که قطعا فیلم‌بازهای قهار لذت تماشایشان را چشیده‌اند و شاید بدشان نیاید علاوه بر تماشای این فیلم‌ها از منظری تحلیلی هم به آن‌ها نگاه کنند.

مجموعه آثار نمایشی اسماعیل خلج (دو جلد)، نشر قطره

طردشده‌ها بر صحنه نمایش

دهه شصتی‌ها احتمالا سریالی به نام «سایه همسایه» را به یاد دارند، اما خیلی‌هایشان شاید ندانند که کارگردان این سریال یکی از نمایشنامه‌نویسان صاحب‌سبک ادبیات نمایشی ایران است. اسماعیل خلج (۱۳۲۴) گرچه سال‌هاست ننوشته و کار تازه‌ای بر صحنه نبرده و بیشتر در نقش‌های حاشیه‌ای در سینما و تلویزیون ظاهر شده، اما در سال‌های دور در کارگاه نمایش، نمایشنامه‌هایی نوشته و روی صحنه برده است که بعضی از آن‌ها هنوز هم در تاریخ نمایش ایران ماندگارند. خلج نویسنده مردم پایین‌شهر در دهه‌های چهل و پنجاه است و در آثارش زبان و اخلاق و رفتار پایین‌شهری‌ها را خیلی خوب به نمایش گذاشته است. مخصوصا زبان و رفتار لات‌ها و ولگردها و خلافکارهایی را که پاتوقشان یا قهوه‌خانه‌های پایین‌شهر بوده و یا خرابه‌ها و دیگر مکان‌هایی که مستعد حضور این جور آدم‌ها بوده است. جالب اینکه لات‌های نمایشنامه‌های خلج برخلاف تصویر کلیشه‌ای این جور آدم‌ها در فیلم‌فارسی‌ها چندان جوانمرد و عیار نیستند. آن‌ها در قهوه‌خانه‌ها و دیگر پاتوق‌ها دور هم جمع می‌شوند و زندگی را به ملال و پوچی و وقت‌کشی می‌گذرانند و هروقت پا بدهد به همدیگر حقه می‌زنند و گوش هم را می‌برند. شخصیت‌های نمایشنامه‌های او اغلب مردمی محروم و تباه شده‌اند که روشنایی‌های شهر به آن‌ها نمی‌رسد. به بیانی می‌توان گفت خلج نویسنده جاهای تاریک و ناپیدای شهر است. نویسنده طردشدگان اجتماع. او زبان این طبقات را خوب می‌شناسد و با کاربرد خلاقانه این زبان به آن رنگی شاعرانه می‌دهد. خلج فقط از واقعیت زندگی این آدم‌ها عکس‌برداری نمی‌کند. او با خلاقیت خود چیزی به این واقعیت سیاه اضافه می‌کند. نشر قطره اولین بار در سال ۱۳۸۴ مجموعه آثار نمایشی اسماعیل خلج را در دو جلد منتشر کرد و حالا این مجموعه را تجدید چاپ کرده است. این مجموعه شامل ۲۳ نمایشنامه از اسماعیل خلج است. از بهترین‌های این نمایشنامه‌ها «پاتوغ»، «حالت چطوره مش رحیم؟»، «گلدونه خانم»، «توی خودت باش!» و «قمر در عقرب» هستند. خواندن این نمایشنامه‌ها برای آن‌ها که نمایشنامه ایرانی می‌خوانند تجربه‌ای جذاب خواهد بود.

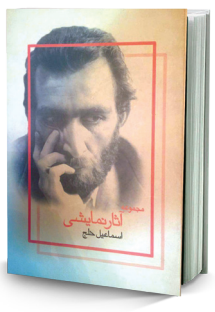

ادبیات و کار - ۱

«دره خزان‌زده» جلال آل‌احمد

در ادبیات «کار» را از جنبه‌های مختلف می‌توان دید. کارمندان، کارگران، کارفرمایان و همه شخصیت‌های آثار ادبی که شغلشان و کاری که به آن مشغول‌اند در شکل‌گیری اثر ادبی نقش تعیین‌کننده دارد می‌توانند موضوع «ادبیات و کار» باشند، به شرط اینکه کار و وضعیت شغلی‌شان بخشی از بافت اثر را تشکیل دهد و خالق اثر در مورد وضعیت شغلی‌اش به یک اشاره صرف بسنده نکند. در ادبیات داستانی ایران کارگران از دیرباز حضور داشته‌اند، گیریم که این حضور روزگاری پررنگ‌تر و روزگاری کمرنگ‌تر شده باشد. از جمله قدیمی‌ترین نویسندگان ایرانی که در آثارش به وضعیت بغرنج کارگران پرداخته جلال آل‌احمد است در مجموعه داستان «از رنجی که می‌بریم». آل‌احمد در این مجموعه البته چندان وارد جزئیات زندگی کارگری نمی‌شود و موضوع را در بافت سیاسی مقابله خشن حکومت پهلوی با جنبش کارگری که در حال شکل گرفتن است می‌بیند. داستان «دره خزان‌زده» – اولین داستان این مجموعه – درباره سرکوب کارگران معدن در شمال است. حکومت برای توجیه این سرکوب داستانی را جعل می‌کند و بعد با گرفتن استشهاد قلابی به خانه‌های کارگران یورش می‌برد و آن‌ها را به رگبار می‌بندد. شخصیت یکی از کارگرانی که تیرباران می‌شود – وصالی – در این داستان از همان اسطوره معروف کارگر – قهرمان تبعیت می‌کند. راوی در زندگی وصالی ریز نمی‌شود و از او کلیاتی به دست می‌دهد. «دره خزان‌زده» تمرکز خود را بر تقابل حکومت پهلوی با جنبش کارگری در دهه ۱۳۲۰ گذاشته است و با ارائه تصویری از یک سرکوب خشونت‌بار در مکانی مشخص، این تصویر را به کل فضای تیره‌ای بسط می‌دهد که در آن سال‌ها حاکم بوده است. این داستان کاری به پس‌وپیش ماجرا ندارد. در زندگی کارگران و روابطشان و نوع تقابلشان با حکومت دقیق نمی‌شود و صرفا به طرزی موجز برشی از یک وضعیت بغرنج را به دست می‌دهد، وضعیتی که در آن صدای مسلسل صدای غالب است و در سراسر داستان مثل ترجیع‌بند تکرار می‌شود و به گوش می‌رسد.

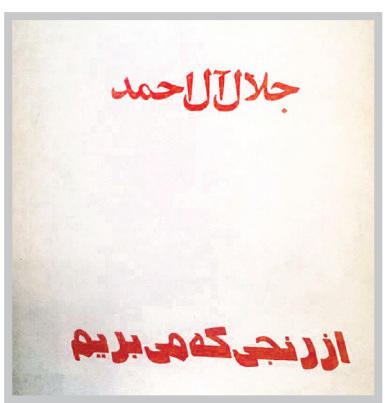

● پیشنهاد مترجم ●

خانه‌ای با شیروانی قرمز

لیلی گلستان از مترجمان باسابقه است. مترجمی که دامنه کاری‌اش بسیار متنوع است و از نقاشی تا ادبیات داستانی و گزارش مستند و... را دربرمی‌گیرد. در ترجمه ادبیات داستانی هم انتخاب‌های متنوعی دارد و مترجمی نیست که فقط یک نوع داستان یا فقط آثار یک نویسنده را ترجمه کند. هم ایتالو کالوینو ترجمه کرده، هم کامو و هم مارکز و رومن گاری و... «اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری» ایتالو کالوینو، «بیگانه» آلبر کامو، «زندگی در پیش رو» رومن گاری، «گزارش یک مرگ» گابریل گارسیا مارکز و «زندگی، جنگ و دیگر هیچ» اوریانا فالاچی ازجمله ترجمه‌های خواندنی اوست. گلستان اهل مصاحبه و کار روزنامه‌نگاری هم هست و تنها مصاحبه مفصل با یکی از بهترین نویسندگان ایرانی، احمد محمود، را او انجام داده است. اهمیت این مصاحبه را زمانی درمی‌یابیم که بدانیم محمود نویسنده‌ای بود که آسان تن به مصاحبه نمی‌داد. از لیلی گلستان خواستیم بهترین کتابی را که اخیرا خوانده معرفی کند. انتخاب او کتابی است با عنوان «خانه‌ای با شیروانی قرمز» که در نشر ثالث منتشر شده است. لیلی گلستان می‌گوید: «این کتاب گفت‌وگوی دو همکلاسی شصت سال پیش است.» وقتی از او می‌پرسیم این دو همکلاسی چه کسانی هستند و چرا گفت‌وگویشان با هم خواندنی است، پاسخ گلستان معلوم می‌کند که این دو نفر آیدین آغداشلو و عباس کیارستمی هستند که مقابل هم نشسته‌اند و خاطره گفته‌اند. گلستان درباره این کتاب می‌گوید: «خانه‌ای با شیروانی قرمز به همت مرجان صائبی، یک روزنامه‌نگار درست‌وحسابی، گردآوری شده. خانم صائبی در این کتاب این دو هنرمند بزرگ را روبه‌روی هم نشانده و از آن‌ها خواسته از دوران مدرسه و خاطرات جوانی، کار، تحصیل و... بگویند.» به گفته لیلی گلستان «این کتاب، کتابی بسیار شیرین، جذاب و خواندنی است و بخش کوتاهی از آن هم قبلا در ویژه‌نامه روزنامه شرق چاپ شده است و حالا کل گفت‌وگوها به صورت کتابی با جلدی زیبا که عکس زیبایی از این دو هنرمند است در نشر ثالث منتشر شده است.» لیلی گلستان درباره عنوان این کتاب هم از قول گردآورنده آن می‌گوید: «این‌طور که خانم صائبی می‌گویند عنوان کتاب از کیارستمی است.» و صحبت از کیارستمی که به میان می‌آید اضافه می‌کند: «جایش خیلی خیلی خالی.»

● تفریحات سالم ●

شوایک

قرار است هر شماره در این ستون کتابی معرفی کنیم که با خواندنش هم به نشاط بیایید و هم روی دیگرِ امور به‌ظاهر معقول و موجه را دریابید. پس چه بهتر که با «شوایک» آغاز کنیم. رمانی خواندنی، تکان‌دهنده و تا دلتان بخواهد مفرح و خنده‌دار درباره مردی به‌ظاهر کودن اما درواقع رند و زبروزرنگی به نام شوایک که یک روز صبح بیدار می‌شود و مثل یوزف. ک، قهرمان رمان محاکمه کافکا که خیلی ناگهانی از بستر خواب به دادگاه فراخوانده شد، سر از میدان جنگ جهانی دوم درمی‌آورد. جالب اینکه یاروسلاو هاشک، نویسنده رمان شوایک، و کافکا هردو اهل چکسلواکی بوده‌اند و در یک دوره می‌زیسته‌اند و هردو هم در عین تفاوت‌های آشکارشان اهل طنز بوده‌اند. گیریم طنز هاشک آشکار است و طنز کافکا پنهان. اما هاشک هم در شوایک مانند کافکا گوشه‌چشمی به نقد سیستم بورو کراتیکِ ازدرون‌پوسیده دارد. رمان هاشک با خبر ترور ولیعهد اتریش آغاز می‌شود. واقعه‌ای که جنگ جهانی اول را رقم زد. کمی بعد شوایک همراه سربازان دیگر امپراتوری اتریش به سوی میدان جنگ می‌رود و در راه ماجراهای خنده‌دار بسیاری برای او و دیگر شخصیت‌های رمان اتفاق می‌افتد و این‌ها همه بهانه‌ای است برای هجو امپراتوری قدر قدرتی که موریانه‌ها دارند پایه‌های پوسیده آن را می‌جوند. شوایک دلقکی عامی است که مثل بمب وسط سپاه خودی افتاده تا امپراتوری را از درون منفجر کند. «شوایک» رمان قطوری است اما در آن به قدر کافی ماجرای خنده‌دار هست که حوصله‌تان از خواندنش سر نرود. حیف که عمر هاشک کفاف نداد تا این رمان را تمام کند و رمان نیمه‌کاره رها شد. این هم یک شباهت دیگر کافکا و هاشک. هردو رمان‌های نیمه‌کاره دارند. رمان شوایک با ترجمه کمال ظاهری در نشر چشمه منتشر شده است. سال‌ها پیش ایرج پزشکزاد هم بخشی از آن را با عنوان «شوایک، سرباز پاکدل» ترجمه کرده و این ترجمه در نشر زمان به چاپ رسیده بود.